

آنت لیر، معاون دبیرکل سازمان جهانی مالکیت فکری در گفت‌وگو با «شرق» از آسیب‌های نیروستن ایران به کنوانسیون برن می‌گوید

فرار سرمایه‌های فکری از ایران



گیسو فغفوری

گفت‌وگو با آنت لیر، معاون دبیرکل سازمان جهانی مالکیت فکری در فاصله بین سخنرانی تا کارگاه بعدی برگزار شد. او که برای شرکت در پنجمین همایش ملی حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط به تهران آمده بود با دیدن آثار موزه ملی همچنان شگفت‌زده بود. از نظر این مدیر نوژی که سال‌هاست در ژنو و در سازمان مالکیت جهانی فعالیت می‌کند، پیوستن ایران به کنوانسیون برن می‌تواند آغازی مطمئن برای حفاظت از آثار خلاقه باشد؛ فرصتی که پول و امکانات و متصل شدن به جامعه بین‌المللی را به همراه دارد. اما در این گفت‌وگو سعی شده برخی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های متداول با او مطرح شود. او مثال‌هایی از حمایت‌هایی که آثار ایرانی در جهان شده را مطرح می‌کند و به‌شدت طرفدار کنوانسیون مراکش و امکاناتی است که در اختیار افراد کم‌بینا می‌گذارد.

❧ برخی از کشورها و ازجمله ایران با اینکه عضو سازمان جهانی مالکیت فکری هستند، برخی از پیمان‌های مربوطه را امضا نکرده‌اند. آیا بررسی کرده‌اید که علت نپیوستن برخی از کشورها به کنوانسیون برن که مربوط به حق مؤلف است، چیست؟ آیا این کشورها دلایل یکسانی دارند؟
تعداد خیلی کمی از کشورهای جهان به کنوانسیون‌ها نپیوسته‌اند. اکنون حدود ۱۶۸ کشور عضو سازمان جهانی هستند. کشورهایی که به این کنوانسیون‌ها نپیوسته‌اند حدود ۲۱ کشور هستند که ایران کشوری کاملا متفاوت با دیگر کشورهایی است که به عضویت درنیامده‌اند. کشورهایی نظیر اریتره و... جزء کشورهای غیرپیشرفته محسوب می‌شوند که با توجه به سطح بالای فرهنگ و تمدن در ایران، نمی‌توان ایران را در ردیف آن کشورها حساب کرد. این کشورها درواقع به کنوانسیون‌ها نپیوسته‌اند چراکه کمتر آگاهی و دانشی نسبت به این مسائل دارند. آنها اطلاعاتشان بسیار محدود و اندک است و به‌دلیل عدم شناخت عضو کنوانسیون نشده‌اند.

❧ شما در زمینه علاقه‌مندشدن و برای عضویت این کشورها، چه فعالیتی انجام می‌دهید؟

ما در حال گفت‌وگو و تبادل دانش و اطلاعات با این کشورها هستیم تا مزایای عضویت در این کنوانسیون‌ها را بدانند. همچنین به آنها برای ساختن زمینه مناسب و زیربنایی کمک کنیم. این اقدامات را انجام می‌دهیم تا بتوانند بعد از شناخت نسبت به این کنوانسیون‌ها به آنها بپیوندند و از مزایای آن برخوردار شوند.

❧ اما تفاوت‌های فرهنگی بین کشورهای مختلف باعث می‌شود از مفاهیمی مثل حق مؤلف نیز تلقی‌های مختلف وجود داشته باشد. چقدر به این تفاوت‌های فرهنگی توجه شده است؟

این تصور غلطی است که عضویت در کنوانسیون برن جلو دسترسی به اطلاعات را می‌گیرد و امکان دستیابی به آن را محدود می‌کند. ادیان زیادی در دنیا هستند و کشورهایی با مذهب‌های مختلف عضو کنوانسیون هستند. کنوانسیون برن برای جلوگیری از دسترسی به اطلاعات نیست بلکه هدف برعکسی دارد و قرار است کشورهای عضو دسترسی آسان‌تری به منابع داشته باشند و مسیر دسترسی‌شان تسهیل شود، خصوصا در زمینه کپی‌رایت. این یک سوءتفاهم مشترک و یک باور قدیمی و منسوخ‌شده است که تصور می‌کردند عضویت در کنوانسیون برن دسترسی به منابع را محدود می‌کند.

❧ برخی از کشورها مانند آمریکا با تأخیری نزدیک به صد سال و با حفظ برخی از قوانین داخلی خود در زمینه مالکیت فکری به آن پیوسته‌اند. آیا برای ایران و کشورهایی که هنوز نپیوسته‌اند، نیز چنین امکانی وجود دارد که با حق تحفظ نسبت به بخش‌هایی از کنوانسیون برن به آن بپیوندند؟ این نکته اصلا درست نیست، تمام کشورهایی که به کنوانسیون برن پیوسته‌اند به‌طور کامل و بدون حق تحفظ بوده است.

❧ پس دلیل تأخیر عدم عضویت کشوری همچون آمریکا چیست؟
آمریکایی‌ها از کشور کانادا به‌عنوان پشتیبان استفاده می‌کردند.

❧ منظورآن از پشتیبان چیست؟

یکی از مثال‌های خوب در این زمینه فیلم اسکاری اصغر فرهادی «جدایی» است. او برای اینکه نمی‌توانست در ایران حقوق مادی و معنوی اثرش موردحمایت قرار گیرد، اولین اکران فیلمش در جشنواره برلین بود تا از فیلمش حفاظت شود. آمریکایی‌ها نیز از این شیوه استفاده می‌کردند و آثارشان را در کانادا ثبت می‌کردند و از مزایای کپی‌رایت به‌صورت بین‌المللی در هر جای دنیا استفاده می‌کردند؛ مانند فیلم آقای فرهادی که به‌دلیل ثبت‌شدن در آلمان حقوق مالکیت اثرش موردحفاظت در سراسر جهان بود. شما با عدم عضویت در کنوانسیون برن، صاحب اندیشه و فکر خود را فراری می‌دهید. متأسفانه عدم عضویت ایران سبب شده است بسیاری از تولیدکنندگان فیلم، صاحب آثار و سازندگان موسیقی به خارج از ایران بروند و آثارشان را در کشورهای عضو این کنوانسیون‌ها منتشر کنند که بتوانند موردحمایت قرار بگیرند. این را می‌توان فرار سرمایه فکری

باید کپی‌رایت را بپذیریم

عباس مخبر (مترجم): باید کپی‌رایت را بپذیریم و چند دلیل مهم برای این مسئله وجود دارد. اول اینکه ملزم به رعایت حقوق مادی و معنوی صاحب اثر هستیم. حقوق معنوی به‌خاطر ذکر نام پدیدآورنده اثر رعایت می‌شود. ولی حقوق مادی هم باید پرداخت شود و نادیده‌گرفتن این بخش نادرست و غیراخلاقی است. دلیل دوم این است که قوانین کپی‌رایت مانعی در مقابل سانسور خواهد شد. با رعایت قوانین، ناشران تعهداتی به ناشر اصلی دارند که مانع از حذف و تغییرات بیش از حد می‌شود و مداخله و اعمال‌نظرهای شخصی ناظرها بر چاپ کتاب‌ها محدود می‌شود. دلیل سوم و آخر جلوگیری از ترجمه‌های مکرر از یک اثر است. دیگر شاهد دو یا سه ترجمه مختلف از یک کتاب نیستیم. مجموع این دلایل نشان می‌دهد ایران همان‌طور که در دیگر تعاملات جهانی خود با کشورهای جهان ملزم به رعایت قوانین مشخصی است، در حوزه نشر هم باید این قوانین را بپذیرد تا تعامل درستی با ناشران و نویسندگان دیگر کشورها برقرار شود. ۱۰-۱۲ سال قبل در نمایشگاه کتاب با یک ناشر انگلیسی صحبت می‌کردم و از من پرسید چرا زیر پوشش قانون کپی‌رایت نمی‌روید و من از قیمت کم و تیراژ کم کتاب‌ها گفتم و اینکه با این اوضاع چیزی برای مترجم و ناشر برای پرداخت حق کپی‌رایت نمی‌ماند. او در جواب گفت شما اول قوانین را بپذیرید، این مسائل قابل بحث است و می‌شود برایش راه‌حل مناسبی پیدا کرد.



از ایران دانست. درحالی‌که اگر عضو شوید، این حمایت‌ها را می‌توانید در داخل کشور خودتان داشته باشید. این اتفاق اثر بسیارمنفی در اقتصاد شما می‌گذارد و با فرار مغزها شما سرمایه عظیمی را ازدست می‌دهید. چون نمی‌توانید از نخیکان خود حمایت کنید و اینس حمایت از آنها در خارج از کشور انجام می‌شود.

❧ با وجود اینکه سال‌های زیادی از تشکیل کنوانسیون برن و بقیه کنوانسیون‌های مالکیت فکری می‌گذرد، هنوز بازار قاچاق فرهنگ به‌خصوص در سه حوزه فیلم، موسیقی و کتاب پررونق است و تقریبا می‌توان با اندکی حسبت‌وجو به‌خصوص در فضای اینترنت، فیلم، موسیقی و کتاب‌هایی را رایگان و بدون پرداخت حق مؤلف دانلود کرد. چرا با وجود این کنوانسیون‌ها، هنوز چنین پدیده‌ای وجود دارد؟ چه راه‌حلی برای فرقی‌نشدن این تخلف‌ها در نظر گرفته شده است؟

این یکی از مهم‌ترین حمایت‌هایی است که کنوانسیون برن در اختیار اعضایش قرار می‌دهد و جزء مزایای آن محسوب می‌شود. کنوانسیون برن، این ابزار حقوقی را می‌دهد که با رفتن به دادگاه، علیه سوءاستفاده از اثر، اقدام قانونی انجام دهید. اگر عضو کنوانسیون برن نباشید، این امکان را ندارید. شما برای حمایت از آثار ادبی و هنری خود، دو ستون دارید: ستون اول: حمایت داخلی با تکیه بر قوانین کشورتان است ستون دوم: با تکیه برکنوانسیون برن، حمایت‌هایی بین‌المللی در سراسر کشورهای عضو را خواهید داشت.

این همان امکانی است که کشورهایی نظیر ایران به دلیل عدم عضویت

برای افراد خلاق و هنرمند خود از دست می‌دهند.

❧ آیا این دادگاه‌ها روند دادرسی طولانی ندارند؟ البته ما در ایران دادگاه‌های خاصی در این زمینه داریم.

اتفاقا وقتی شما عضو این کنوانسیون هستید، ابزار حقوقی برای اقامه دعو دربارۀ سوءاستفاده از اثرتان را در اختیار دارید؛ این یک جنبه بازدارندگی بین‌المللی دارد. اگر عضو کنوانسیون برن شوید، شما یک جامعه بزرگی را پشت‌سرتان برای دفاع و پشتیبانی دارید، مثلا اتحادیه ناشران بین‌المللی و سازمان‌ها و ان‌جی‌اوهای خصوصی یا اتحادیه جهانی موسیقی که از شما دفاع می‌کنند. فراموش نکنید ما مجموعه‌ای متفاوت از کپی‌رایت‌ها را داریم، مثلا در زمینه موسیقی، کتاب، عکس، هنر و گرافیک و... همه دارای قوانین خاص خودشان هستند.

❧ همه این کپی‌رایت‌ها تحت پوشش کنوانسیون برن هستند؟
بله.

❧ همه کشورها در کنوانسیون برن و در سازمان مالکیت فکری، در جایگاه برابری قرار دارند. با توجه به حجم زیاد آثار تولیدشده در کشورهایایی نظیر آمریکا، عملا این عضویت، جاده یک‌طرفه‌ای است که اکثریت مصرف‌کننده هستند و چند کشور تولیدکننده. آیا پیوستن به این کنوانسیون، برای بهبود وضعیت آن چند کشور خاص نیست؟

بی‌تردید همه کشورها در یک موقعیت برابر قرار دارند. یکی از ادارات زیرمجموعه مسئولیت من، وظیفه‌اش کمک به کشورهای کوچک در زمینه کپی‌رایت است. این اداره که مدام «گیدی لانگ»، رئیس‌شان است، به همه کشورها از چین و آمریکا تا کشورهای کوچک مانند کوک آیلند، کمک‌های فنی در زمینه کپی‌رایت را به یک اندازه می‌دهد.

❧ خب از منظر دیگر اگر بپردازیم، نه از منظر خدمات، آیا شیوه اداره

زاویه

از آسیب‌های نیروستن ایران به کنوانسیون برن می‌گوید



سازمان مالکیت مثل شورای امنیت نیست که عده‌ای از اعضا، برتری بر دیگری داشته باشند؟

ما با سازمان‌های دیگر بسیار متفاوت هستیم. Wipo تنها سازمان بین‌المللی است که بیش از ۹۰ درصد هزینه‌اش را از درآمدهای خودش تأمین می‌کند؛ درآمدهای ناشی از حق کپی‌رایت و ثبت آثار. با اینکه ما عضو سازمان ملل هستیم، اما چون مستقل هستیم و نیاز نداریم که گدایی کنیم، کسی یا سازمانی یا کشوری نمی‌تواند چیزی را بر ما تحمیل کند. ما کار سیاسی انجام نمی‌دهیم. ما فعالیت‌های حرفه‌ای و فنی و کارشناسانه، بدون توجه به مسائل سیاسی در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهیم. این برای ما بسیار مهم است که بدون توجه به مسائل سیاسی، فعالیت‌های خود را انجام می‌دهیم. من در طول فعالیتیم بسیاری از وزرا، نخست‌وزیرها و رئیس‌جمهورها را ملاقات کرده‌ام و فرقی نمی‌کند آنان در چه سطحی در چه کشوری قرار دارند. آنچه اهمیت دارد، این است که حمایت ما برای کشورهای مختلف یکسان است. من اینجا نیامده‌ام کشور شما را در فشار قرار دهم و تأکید کنم حتما باید به کنوانسیون بپیوندید، این وظیفه من نیست.

❧ خدوماں باید تصمیم بگیریم. شما چه پیشنهادی برای ما دارید؟

کاری که من انجام می‌دهم، این است که مزایا و سودهایی که شما از پیوستن به این کنوانسیون می‌برید را برایتان تشریح کنم. روشن‌کردن وضعیت برای دولت شماس، اینکه چه مزایایی در پیوستن و چه مضراتی در نپیوستن است، تصمیم نهایی بر عهده دولت شماس.

❧ پس اگر بخواهیم در پایان گفت‌وگو چند مورد از سودهای پیوستن به کنوانسیون برن را برای کشور ما فهرست کنید. شما چه نکته‌هایی را مطرح می‌کنید؟

به صاحبان فکر و اندیشه در ایران این شانس داده می‌شود آثارشان مورد حمایت قوانین داخلی و کشورشان قرار گیرد و تشویق می‌شوند که اثر جدید تولید کنند صاحبان و خالقان آثار، این شانس را دارند که مورد حمایت بین‌المللی در تمام کشورهای عضو کنوانسیون برن قرار گیرند. وقتی این حمایت بین‌المللی باشد، برای ایران درآمد به همراه دارد و به اقتصادتان کمک می‌کند درعین‌حال، به هنرمند و صاحب اثر این اطمینان داده می‌شود که در سطح بین‌المللی اثرش مورد حمایت و صاحب درآمد باشد. این، انگیزه‌ای به هنرمند می‌دهد که بیشتر، فعالیت‌های خلاقانه داشته باشد و درعین‌حال، درآمدهای بیشتری نیز به دست بیاورد. همچنین به ایرانی‌ها این شانس را می‌دهد که به دانسته‌ها و اطلاعات جهانی دسترسی پیدا کنند، به طور مثال وقتی شما عضو کنوانسیون برن شدید، می‌توانید عضو کنوانسیون مراکش شوید. این عضویت به تمام اتباع ایرانی که دارای مشکلاتی در زمینه بینایی هستند، این شانس را می‌دهد که به تمام کتابخانه‌ها و آثاری که در سراسر جهان و برای این دسته از افراد تهیه شده‌اند، دسترسی پیدا کنند. امکان دسترسی به هر اثری در هر مؤسسه و هر کتابخانه‌ای ممکن می‌شود؛ هر اثری که در سراسر دنیا برای افرادی با مشکلات بینایی منتشر شده است. آنها می‌توانند این آثار را مطالعه کنند و در اختیارشان قرار می‌گیرد. اگر عضو این سازمان شوید، تمام مؤسسات و نهادهایی که به کنوانسیون برن پیوسته‌اند، همراه شما در زمینه مسائل حقوقی و... هستند، مثلا بسیاری از هنرمندان و نویسندگان در ایران می‌توانند از بروشورها، کارگاه‌ها و امکاناتی که wipo دارد، استفاده کنند. در هرسطحی نیست که به این کنوانسیون‌ها پیوندیم، چراکه آنچنان هم خوش‌نام نیستند و نشان دادند در جایگاه عادلانه‌ای قرار نگرفته‌اند و فقط منافع کشورهای کمی را در نظر دارند».

او از بدبینی برخی کشورها

نسبت به مجامع بین‌المللی گفته است. همچنین معتقد است: «باید ببینیم در این راه چه منفعتی وجود دارد که به این معاهده بپیوندیم. در غیراین‌صورت مهم نیست که به این کنوانسیون‌ها پیوندیم، چراکه آنچنان هم خوش‌نام نیستند و نشان دادند در جایگاه عادلانه‌ای قرار نگرفته‌اند و فقط منافع کشورهای کمی را در نظر دارند».

اجحاف بزرگ به هنرمندان

بهرام دبیری (نقاش): متأسفانه در قوانین داخلی، قانون به‌روزی برای حفظ حقوق صاحب اثر وجود ندارد و تنها قانون قابل رجوع، مربوط به سال ۴۷ و به نام قانون مؤلفین و مصنفین است.

مصادره‌کردن اثر دیگران بی‌قانونی و ظلم بزرگی است و با توجه به وضعیت موجود که شاهدیم عکس، پوستر و نقاشی دیگران را کپی یا بدون اجازه و ذکر نام صاحبش در رسانه‌ها استفاده می‌کنند، کاملا نیازمندیم که در داخل کشور قانون‌گذاری جماعتی تهیه و تأیید در مجلس شود که تمام حوزه‌های فرهنگی و هنری را پوشش دهد و ظرفیت پیگیری داشته باشد.

تأکید می‌کنم که باید امکانی کاملا داخلی و ایرانی برای کنترل این وضعیت فراهم شود، چراکه با وضعیت اقتصادی موجود به نفع ما نیست که عضو قانون جهانی کپی‌رایت شویم. قیمت کتاب، برنامه‌های کامپیوتری و موسیقی ۱۰ برابر می‌شود و امکان خرید و تهیه‌اش برای مخاطب به صفر می‌رسد. این اتفاق به‌نفع جریان فرهنگی کشور نیست.

فقط در شرایطی می‌توانیم عضو این قانون جهانی بشویم که پیش از آن به عضویت تجارت و بازار جهانی درآمده باشیم و ارزش پولی‌مان برابر یا فاصله کمی با دیگر ارزها داشته باشد. در غیراین‌صورت این کار خطرناک است.

یک مفهوم

نگرانی‌های ایرانی و کنوانسیون برن

به‌نظر برخی، پیوستن همه کشورها به کنوانسیون برن، درحقیقت گسترش بازار برای چند کشور محدود است. با این وصف، فایده پیوستن به کنوانسیون برن برای کشورهایی مثل ایران چیست؟ چرا باید به این کنوانسیون بپیوندیم؟

یکی از نگرانی‌های برخی از منتقدان پیوستن ایران به کنوانسیون برن تبعات فرهنگی آن است. آنان معتقدند پیوستن به این کنوانسیون، عملا باعث افزایش هزینه دسترسی به کتاب‌ها و محصولات فرهنگی خارجی شده و بسیاری از مردم را از دسترسی به آن محروم خواهد کرد و این به نابرابری و بی‌عدالتی بیشتری منجر خواهد شد و در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، صنایع فرهنگی ایران را بسیار ضعیف خواهد کرد. سؤال آنان این است وایبو راهی برای حمایت از کشورهایی مانند ایران برای پیوستن به کنوانسیون برن دارد؟

- این موضوع از جنبه تنوع

فرهنگی نیز اهمیت دارد. یکی از مأموریت‌های یونسکو و به تبع آن، سازمان ملل حفاظت از تنوع فرهنگی است.

آیا می‌توان از تنوع فرهنگی در بازار فرهنگ و هنر و از طریق اصلاحیه‌ای بر کنوانسیون برن، این حمایت را به‌دست آورد؟

یکی از انتقادهایی که برخی به بعضی کنوانسیون‌های مربوط به مالکیت فکری دارند، این است که آن را در راستای منافع کشورهای برخوردار می‌دانند و معتقدند عملا به گسترش بازار فرهنگی و هنری آنان منجر می‌شود، از نظر منتقدان، این نکته مهم است که چگونه می‌توان راهی برای دوطرفه‌کردن جاده فرهنگ و هنر درست کرد که یک گروه صرف مصرف‌کننده فرهنگی نباشد؟

علاوه بر این، وزیر دادگستری از منطری دیگر، جزء منتقدان پیوستن به کنوانسیون است. او در سخنرانی‌اش چنین گفت: «در دهه‌های اخیر، این بحث جدی‌تر شده که کنوانسیون‌ها میلشان به این است که سود کشورهای برخوردار تأمین شود.

این دغدغه‌ای بود که در بسیاری از کشورها برای پیوستن به این معاهدات وجود داشته است. همان‌طور که موضوعاتی مانند هسته‌ای، سلاح‌های کشتار جمعی، حقوق بشر و... که ما امروز درگیر آنها هستیم با جانبداری‌ها و توضیحات و تحمیل دیدگاه‌های خاص، به ضرر بسیاری از کشورها شده است».

او از بدبینی برخی کشورها نسبت به مجامع بین‌المللی گفته است. همچنین معتقد است: «باید ببینیم در این راه چه منفعتی وجود دارد که به این معاهده بپیوندیم. در غیراین‌صورت مهم نیست که به این کنوانسیون‌ها پیوندیم، چراکه آنچنان هم خوش‌نام نیستند و نشان دادند در جایگاه عادلانه‌ای قرار نگرفته‌اند و فقط منافع کشورهای کمی را در نظر دارند».



چه قصه محقری

ما افراد کم‌سوادی هستیم، چرا؟



علی میرمیرانی

الف) پرواضح است که سواد به معنی خواندن و نوشتن یا تحصیلات عالی و آکادمیک، مراد نیست. سواد را که به معنی دانستگی و جویای ادراکی نو در میان دانسته‌های دیگران بودن بگیریم، خواهیم دید چه‌بسیار مهندسانی که در رشته‌شان دکترا گرفته‌اند یا بسیار پزشکیانی که تخصص و فوق‌تخصص دارند، اما به غایت بی‌سوادند. چندسال پیش دوستی اصرار داشت مسئولیتی را در یکی از نشریات لایف‌استایل برعهده بگیرم. به او گفتم آن جنس کاری که تو از من می‌خواهی با کم‌سوادی مخاطبت نمی‌خواند. اتفاقا گفت غالب مخاطبان ما پزشک و... هستند. بدیهی است دکتر و فوق‌لیسانس و... که فرهنگ و سواد فرهنگی و دانسته‌های جمعی او از هضم رایج گذشته باشد و شوق به تحصیل این دانستن و... در زمان و ذهنش جایگاهی ندارد، آدم باسوادی نیست.

ب) کم‌سوادیم چون تیراژ کتاب در ایران بدل به یک چوک دست‌سوم بی‌مزه شده که دیگر تذکر‌دادن و بحث‌کردن و... هم در آن بی‌اثر است. این تیراژهای ۵۰۰، ۶۰۰ تایی که برخی مربوط به کتب اشخاصی است که حداقل نیم‌قرن است می‌نویسد یا ترجمه می‌کنند، بیانگر کم‌سوادی ما و مؤید این نکته است که با دانستن و فهم فرهنگی بیگانه‌ایم.

تاسف‌آورتر از این تیراژهای مضحک، تلاش رسما مذبح‌خانه مؤلفان و مترجمان است که در این وانفسا بدل شده‌اند به ویزیتور و مشتری جورکن و بازارباب درجه ششم کتاب‌های خودا و بیا و بین چه دست‌وپاهایی که نمی‌زنند در فضای مجازی و فضای مطبوعات و... که شاید بتوانند چهار نفر را متقاعد کنند به خرید کتابشان. شان مردم و مؤلف هم در این میان کم‌گشته‌ای بیش نیست. رسما شوخی است. ناگفته پیداست که در فضای اینترنتی هم دوستان اغلب لایک می‌کنند و کتابی نمی‌خرند و این مسئله، به درام بلکه به تراژدی کتاب و سواد و فرهنگ در کشور ما رنگ کم‌دی هم می‌زند. کم‌دی سیاه یا طنز تلخ؟ کدام تعبیر را می‌پسندید؟

ج) ما کم‌سوادیم، چون نه عموم که حتی بخش فرهنگی طبقه متوسط شهری نیز فیلم‌های روز یا دیروز سینمای جهان را پیکری نمی‌کنند. قطعا از آغاز دهه ۹۰ دیگر هیچ تبی در این زمینه در اجتماع قابل رؤیت نیست. دوستی را می‌شناسم که فیلم‌های سینمای جهان را از او می‌گیرم. هفت‌از‌ه‌ای کوچک داشت در فرهنگی‌ترین خیابان تهران. آن را بست. خودش می‌گفت لازم نیست مردم دغدغه سینمایی داشته باشند. بر فرض ۲۰۰ فیلم قابل بحث تاریخ سینما یا صد فیلم مطرح جهان با... را بخردن. اگر ۱۰ فیلم برتر سینمای جهان و هرسال چندفیلم روز را می‌خریدند، من یک طبقه از این پاساژ را به‌نام زده بودم! ایراد از دانلود هم نیست، ما مشتری سربال‌های ترکی هستیم، به همین سادگی، تیتروژنامه‌ها را اگر در هفته‌های اخیر بازبینی کنید، لایه‌لای آن مکرر به وضعیت بد اقتصادی سینمای ایران اشاره شده. مردم ما سینما هم نمی‌روند، دلیشل هم فقط سانسور یا... نیست. دغدغه یا حوصله‌اش نیست.



د) به گمانم استفاده کالاهای فرهنگی اعم از فیلم، کتاب، موسیقی، تئاتر و... هیچ‌گاه از بدل به عادت روزانه ما نشده، نمی‌گویم دغدغه یا دل‌مشغولی یا علاقه... نه. یک عادت ساده اما نهادینه‌شده. از این‌رو اگر در سایر نقاط جهان تکنولوژی فراگیر می‌شود، عادات فرهنگی سر جای خود، با همان قوت باقی می‌ماند اما در ایران ماهواره و اینترنت جایگزین کتاب، سینما، تئاتر و... می‌شود. اظهارمن الشمس است که در فیزیکی ساینری بدبال کتاب و فیلم و... نیستیم. ما آنجا کم‌سواد، حوزه و سطحی، صرفا زمان را سر می‌بریم و وقت می‌کشیم. حتی این موج‌سواری ما در همان حوزه هم عیان است. در سال ۹۳، رسما فیس‌بوک از مد افتاد و اینستاگرام مد شد. (دقت کنید، مد شد).

ه) ما کم‌سوادیم چون بر فرض مثال اگر شلواری در آن سوی جهان با خشتکی در حوالی زانو و کم‌ری در زیر باسن، مد شود، با چنان سرعتی میان بخشی از جماعت ذکور ما فراگیر می‌شود که حیرت می‌کني. گوپی با یک کلیک، نصب در محل، تحویلت می‌دهند اما اگر از ظهور e-book (کتاب الکترونیکی) در جهان سال‌ها بگذرد، اینجا انگار حتی بویی با ادبالی یا ژست و پز آن هم راه نمی‌یابد.

و) ما مردم کم‌سوادی هستیم. تیراژ مطبوعات در ایران به خودی‌خود یک طنز تمام‌عیار است. ملاحظه‌های مطبوعاتی و پرهیزهای حرفه‌ای اجازه ریز نمی‌دهد و گر نه اثر تیراژ قابل اعلام و اعلان باشد، خواهد دید با جمع‌زدن تیراژ دو، سه روزنامه وزین قابل بحث کشور به عددی می‌رسیم که بیشتر مناسب صرفا یکی از مناطق ۲۲ گانه تهران است؛ نه کل تهران و نه سراسر کشور. همه ماجرا هم به فضای بسته و سانسور و... ربط ندارد. از روز اول در مطبوعات در ایران تا امروز کمتر دوره‌ای فضا باز و آماده روزنامه‌نگاری بوده است، شاید در مجموع دو سال فضای مناسب داشته‌ایم. پس محدودیت‌ها همیشه بوده‌اند اما این بی‌اقبالی از سوی مخاطب مشخصا از دهه ۹۰ عیان است و نتیجه چنان شده که گاهی آدم می‌اندیشد قلم‌زدن در مطبوعات یک خودکوبی و خودخندی بیش نیست.

مؤخره: یقه تکنولوژی را بگیریم و بی‌سوادی خود را در همگامی با سرعت روز جهان پنهان نکنیم. این اینترنت‌های کلنگی ما که حتی ۱۲۸ آن را هم سرویس‌دهنده محترم با یک کروو آدم، اشتراکی در اختیارمان می‌گذارد و مدام کمیت لنگی دارد و هزار مصیبت، با اینترنت در هیچ‌کجای جهان قابل‌قیاس نیست. اما به تیراژ کتاب در کشورهایی که سرعت تشنان رنگ از رخسار نند فور اسپید می‌برد، نگاهی بیندازید. کشورها مطبوعات در همین پاکستان بنگرید. به فروش فیلم در سایر کشورها نظری کنید. به رونق تئاتر، به اوضاع موسیقی، به... ما افراد کم‌سوادی هستیم، یک‌بار هم که شده وضع اسفبار خود را ببینیم، توجیه نکنیم. از دولت و وضعیت ارض و سما شکوه نکنیم، بر نهان و آشکار خود چشم بکشاییم و با اعتراف به واقعیت، کام اول را جهت تصحیح خود برداریم.